



## درس تفسیر سوره مبارکه فاطر - جلسه ۱۷

حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا مَقْتًا وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا (۳۹) قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْهُ بَلْ إِنْ يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا (۴۰) إِنْ اللَّهُ يُمْسِكِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أُمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا (۴۱)﴾

منظور از «عباد مصطفی» در آیه ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ...﴾

آنچه در بخش‌های قبلی همین سوره مبارکه «فاطر» یعنی در آیه ۳۲ گذشت که فرمود: ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا﴾ منظور از عباد مصطفی انبیا و اولیا (علیهم السلام) نیستند تا سخن از ﴿ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ﴾ مطرح بشود و تلاش و کوشش مرحوم شیخ طوسی (رضوان الله علیه) در تبیان را به همراه داشته باشد؛<sup>۱</sup> یعنی آنها را ما برای این کار برگزیدیم نه اینکه منظور از این اصطفای همان اصطفای ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا﴾<sup>۲</sup> باشد.

۱. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۴۲۹ و ۴۳۰.

۲. سوره آل عمران، آیه ۳۳.

مراد از ارث در آیه ﴿أَوْرَثُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾

مطلب دوم این است که ارث این نیست که از کسی به کسی برسد آن پایان کار را هم می‌گویند ارث اینکه فرمود:

﴿تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾<sup>۱</sup> این یعنی پایان کار شما، عاقبت کار شما این است. بنابراین معنای

ارث این نیست که حالا از کسی به شما رسیده است پایان کار این بود. ما سلسله انبیا را فرستادیم، اُمم را با

کتاب‌های آنها هدایت کردیم تا نوبت به شما رسید کتاب الهی را به وسیله پیامبر به شما دادیم و شما سه گروه شدید این

معنای ایراث است.

عدم اختصاص احتجاج در آیه ﴿أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم﴾ به معمرین

مسئله بعدی در جریان ﴿أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم﴾ این احتجاج، اختصاصی به معمرین ندارد منتها توییخ در معمرین بیش از

توییخ در میانسال است و گرنه منظور حجت الهی است ﴿أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ﴾<sup>۲</sup> حرف اول و آخر را می‌زند منتها اینکه

فرمود: ﴿وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ﴾<sup>۳</sup> معیار است هر کسی حجت خدا بر او تمام شد این در قیامت مسئول است و اعتراض

قیامت متوجه اوست چه معمر چه غیر معمر؛ ولی برای معمرین، حجت خدا بالغ‌تر است از این جهت فرمود: ﴿أَوَلَمْ

نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ﴾<sup>۴</sup> و عمده همان ﴿جَاءَكُمُ النَّذِيرُ﴾ است ولو انسان جوان باشد وقتی حجت الهی بر او

بالغ شد و به او رسید مشمول این اعتراض است.

### بررسی نیروهای درونی و بیرونی انسان

عمده آن است که در دنیا همان‌طوری که ما نیروهایی داریم که با این نیروها ادراک می‌کنیم و نیروهایی داریم که با

این نیروها کار می‌کنیم گاهی ممکن است هر دو سالم باشد گاهی ممکن است هر دو مریض باشد گاهی ممکن است

۱. سوره زخرف، آیه ۷۲.

۲. سوره ملک، آیه ۸.

۳. سوره فاطر، آیه ۳۷.

۴. سوره فاطر، آیه ۳۷.

یکی سالم باشد و دیگری مریض؛ یعنی ممکن است چشم و گوش کسی سالم باشد ولی دست و پای او فلج باشد در درون ما هم همین‌طور است نیرویی در درون ما هست به اصطلاح به نام عقل نظر که متولی اندیشه و ادراک است نیرویی هم در درون ما هست به نام عقل عمل که «عَبْدَ به الرحمن و اکتسب به الجنان»<sup>۱</sup> متولی و مسئول انگیزه و اراده و تصمیم و نیت و اخلاص است.

### مغالطات فکری انسان، ثمره القاءات شیطان

مهم‌ترین کاری که شیطان در درون نفس با ما درگیر می‌شود این است که در بخش اندیشه، ما را گرفتار این مغالطات سیزده‌گانه یا کمتر و بیشتر بکند که ما موضوعی را به جای موضوع دیگر، محمولی را به جای محمول دیگر و مانند آن قرار بدهیم در استنباط‌ها و استدلال‌ها اشتباه بکنیم و به غلط بیفتیم این همان «إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ»<sup>۲</sup> همه مغالطات فکری در اثر وسوسه‌های علمی شیطان است این با بخش اندیشه ما کار دارد. در جهاد نفس که وجود مبارك حضرت امیر (سلام الله علیه) فرمود: «كَمْ مِنْ عَقْلٍ أُسِيرَ تَحْتَ هَوَى أَمِيرٍ»<sup>۳</sup> هوس و هوا را می‌شوراند تا علیه این عقلی که «عَبْدَ به الرحمن و اکتسب به الجنان» درگیر بشوند اگر درگیر شدند - خدای ناکرده - این عقل را فلج کردند دیگر در تصمیم و اراده و نیت و اینها یا انسان اهل اراده و نیت نیست یا - خدای ناکرده - گرفتار اراده مشرکانه و ریاکارانه و اینها می‌شود.

### تعطیل بودن بخش ایمان و اراده و تصمیم در قیامت

در قیامت این بخش ایمان و اراده و تصمیم کلاً بسته است به هیچ وجه ممکن نیست کسی در قیامت کافر بشود یا مؤمن بشود یا اطاعت کند یا معصیت کند بین نفس و ایمان و کفر در دنیا اراده فاصله است ولی بین نفس و عقل نظر، اراده فاصله نیست ممکن است کسی مطالعه نکند فکر نکند بحث‌های علمی را تحمل نکند ولی اگر وارد بحث علمی

۱. الکافی، ج ۱، ص ۱۱.

۲. سوره انعام، آیه ۱۲۱.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۲۱۱.

شد يك صغرا و كبرایی ارائه شد او دیگر نمی تواند بگوید من نمی خواهم بفهمم همین که مطلب نظری به ضروری ختم شد این یقیناً می فهمد حالا ممکن است لساناً انکار کند. فهم در اختیار ما نیست مبادی فهم در اختیار ماست ممکن است مطالعه نکنیم، گوش ندهیم، فکر نکنیم اینها هست اما اگر فکر کردیم و مطالعه کردیم یا کسی استدلال کرد ما گوش دادیم دو مقدمه علمی بین ارائه کردند آن نتیجه را بر این مترتب کردند چه کسی بخواد چه نخواهد می فهمیم نمی توانیم بگوییم نمی خواهیم بفهمیم ولی درباره عقیده و ایمان کاملاً می توانیم بگوییم چیزی که صد درصد حق است ما آن را قبول نداریم چون يك کار دیگری است مربوط به قوه دیگر است آنکه باید عصاره علم را به جان گیره بزند فلج است اینکه فلج شد خب باور نمی کند حرف وجود مبارك موسای کلیم به فرعون این طور بود فرمود برای تو مسلم شد این معجزه است ﴿لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِصَائِرٍ﴾<sup>۱</sup> ﴿وَجَعَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ﴾<sup>۲</sup> از همین قبیل است. اینهایی که مُردند وقتی وارد صحنه قیامت می شوند آنچه را نمی دانستند می فهمند، آنچه با مفهوم و علم حصولی می دانستند الآن برایشان مشهود شد صریحاً می گویند: ﴿رَبَّنَا ابْصُرْنَا وَسَمِعْنَا﴾ اما به هیچ وجه جا برای ایمان نیست یعنی بین نفس و ایمان کلاً رابطه تعطیل است وگرنه همان جا مؤمن می شوند، موحد می شوند وقتی موحد شدند به سبب گناهایی که در دنیا انجام دادند عذاب می شوند ولی مخلص در نار نیستند برای اینکه موحد شدند اما همه اینها اصرار دارند که ﴿فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحاً﴾ یا ﴿أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ﴾؛ هم ﴿فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ﴾ در همین سوره مبارکه «فاطر» بود آیه ۳۷ ﴿وَهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحاً﴾ هم در آیه دوازده سوره مبارکه «سجده» دارد ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا ابْصُرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحاً﴾ این ﴿نَعْمَلْ﴾ در برابر ایمان نیست یعنی «نؤمن و نعمل» نه اینکه آنجا ایمان باشد وگرنه می گفتند: «رَبَّنَا ابْصُرْنَا و سَمِعْنَا و آمَنَّا» ایمان فعل نفس است، يك؛ فعل چه جارحه ای و چه جانحه ای بین نفس و فعل، اراده فاصله

۱. سوره اسراء، آیه ۱۰۲.

۲. سوره نمل، آیه ۱۴.

است، دو؛ در قیامت این فاصله کلاً تعطیل است، سه؛ هیچ ممکن نیست در قیامت کسی ایمان و کفر پیدا کند، چهار؛ اما اعمال ظاهری خوردن و نوشیدن و عذاب را چشیدن یا شربت را چشیدن اینها فعلِ ایمان و کفر نیست اینها فعلِ عادی است که غیر انسان هم اینها را دارد اما فعلِ اختیاری مربوط به ایمان و کفر این مربوط به جایی است که شریعت باشد، دین باشد اگر در آنجا ایمان و کفر ممکن باشد تازه می‌شود دنیا برای اینکه اگر ایمان و کفر آنجا ممکن باشد آنجا وجوب و حرمت هست یعنی واجب است ایمان بیاورد کافر شدن حرام است پس مسئله‌ای هست، شریعتی هست، دینی هم آنجا مطرح است.

### بیان امام رضا(علیه السلام) در موجود بودن کنونی بهشت و جهنم

ممکن است کسی که اینجا هست جهنم را آنجا ببیند جهنم بالفعل موجود است ولو معاد هنوز مستقر نشده این بیان نورانی امام رضا(سلام الله علیه) است فرمود از ما نیست کسی که بگوید جهنم و بهشت الآن موجود نیست<sup>۱</sup> جهنم و بهشت موجود است منتها صحنه قیامت بعداً تشکیل می‌شود. انسان ممکن است حقیقت بهشت را ببیند نه تنها صورتش را، حقیقت بهشت را ببیند، حقیقت جهنم را ببیند و مانند آن اما وقتی وارد آن صحنه شد کلاً بین نفس و ایمان، رابطه برقرار نیست.

### شباهت جریان پس از مرگ با خواب

این روایت نورانی که مرحوم کلینی در روضه کافی نقل کرد و بارها اشاره شد این نمونه‌ای است از قیامت جریان بعد از مرگ نظیر همین جریان خواب است کسی جایی را یا شخصی را خواب می‌بیند وقتی بیدار شد می‌گوید ای کاش من این مطلب را می‌پرسیدم یا این کار را انجام می‌دادم. در خواب همه اعمال ما محصول ملکات قبلی است بین ما و کار، اراده فاصله نیست که با اراده کاری انجام بدهیم وگرنه اگر کسی در خواب خلاف کرد می‌شود معصیت یا

۱. التوحید (شیخ صدوق)، ص ۱۱۸.

حرف خوبی زد می شود اطاعت که در نامه عمل او بنویسند این طور نیست بین نفس و عمل قلبی، اراده فاصله نیست بلکه هر کاری که محصول ملکات قلبی بود انسان در عالم رؤیا انجام می دهد در قیامت هم که طبق آن روایت فرمود این نموداری از قیامت است<sup>۱</sup> منتها قیامت، خواب نیست بیدار است با همین بدن است با همین روح است انسان کاری را انجام بدهد که با آن کار اطاعت باشد یا معصیت باشد ثواب ببرد یا عقاب ببرد به هیچ وجه ممکن نیست ولو در جهنم هم رفته آن عین الیقین او، حق الیقین علمی می شود ولی نمی تواند ایمان بیاورد می گوید: ﴿أَخْرِجْنَا﴾ ما را از آن جا بیرون بیاورید تا ما ایمان بیاوریم آن جا نمی توانند ایمان بیاورند اگر ایمان بیاورند می شود واجب و کفر می شود حرام، جایی که جای وجوب و حرمت است جای شریعت است مگر می شود وجوب و حرمت باشد، تکلیف باشد و شریعت نباشد جای شریعت می شود دنیا، بنابراین اینها در جهنم از عین الیقینی به حق الیقینی دوزخی و علمی رسیدند مشاهده کردند و دارند می سوزند اما نمی توانند ایمان بیاورند. قیامت وضعش این است این طور نیست که در قیامت ممکن باشد کسی ایمان بیاورد یا کفر بورزد یا اطاعت کند اینهایی که می گویند ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ﴾<sup>۲</sup> این طور نیست که برای اینها ثواب بنویسند آن جا سخن از ثواب و عقاب نیست مرتب آنها به ذکر حق اند ﴿دَعَوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>۳</sup> این سه جمله را در سوره مبارکه «یونس» ملاحظه فرمودید.

پرسش: شما در جلسات سابق فرمودید که حضرت از شاگردان سؤال می کردند «هل من مبشرات» ...

۱. الکافی، ج ۸، ص ۹۰.

۲. سوره فاطر، آیه ۳۴.

۳. سوره یونس، آیه ۱۰.

پاسخ: علم می‌آمد نه ایمان بله الآن هم همین است مرحوم کلینی از وجود مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کرد که حضرت از اصحابش سؤال می‌کرد «هل من مبشرات»<sup>۱</sup> دیشب در عالم رؤیا چه رؤیای مبشره‌ای دیدید در خواب، علم برای انسان روشن می‌شود نه ایمان که ایمان بیاورد ثوابی ببرد.

### چگونگی اعطای ثواب در دنیا و آخرت در آیات سوره «یونس»

این سه جمله‌ای که در سوره مبارکه «یونس» هست در دنیا هر که بگوید ثواب دارد ﴿دَعَوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ﴾ کسی تسبیح بگوید ثواب دارد، ﴿وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ﴾ هر کسی در دنیا به یکدیگر سلام بکند ثواب دارد ﴿وَأَخِرُ دَعَوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ ولی این سه جمله مربوط به دنیا نیست مربوط به آخرت است در آخرت اهل بهشت این سه جمله را می‌گویند بدون اینکه ثواب ببرند.

پرسش: می‌شود نتیجه گرفت خطّ اهل بهشت همین‌ها هستند دیگر خوردن و لذت‌های دیگر نیست.

پاسخ: چرا، خوردن هست و سایر لذایذ هم هست ﴿لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ﴾<sup>۲</sup> هست همه این لذایذ هست اما هیچ کدام از اینها مربوط به ایمان و کفر نیست در بهشت این سه جمله را می‌گویند مثل اینکه در همین سوره «فاطر» آمد وقتی اینها وارد بهشت شدند می‌گویند: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ﴾ خب اگر در دنیا کسی این جمله را بگوید ثواب دارد در نامه عمل او ثواب نوشته می‌شود اما همین جمله را بهشتی‌ها می‌گویند ثوابی در کار نیست چون آن‌جا جای شریعت نیست جای ثواب و عقاب نیست.

### مشاهده نتیجه اعمال دنیایی در عالم برزخ

پرسش: صدقات جاریه چطور است؟

۱. الکافی، ج ۸، ص ۹۰.

۲. سوره فاطر، آیه ۳۳.

پاسخ: صدقات جاریه که در دنیا انجام می دهند یا فرزند صالحی که داشتند «ولد صالح يدعو له»<sup>۱</sup> یا درختی که کاشتند و مانند آن، نتیجه عمل خودشان است هر کسی عمل صالحی کرد تا این عمل زنده است و سر پاست برای او ثواب می نویسند «إذا مات ابن آدم انقطع عمله الاّ عن ثلاث»<sup>۲</sup> تمثیل است تعیین نیست حصر نیست گاهی ممکن است انسان صدتا کار بکند سدسازی کرده، جبهه رفته، کمک کرده، مدرسه ساخته، پل ساخته، راه ساخته، درختکاری کرده، شاگرد تربیت کرده، کتاب نوشته صدتا کار خیر کرد همه این کارهای صدگانه تا هست برای او ثواب می نویسند چون کار خودش است.

پرسش: تکامل برزخی چطور است؟

پاسخ: تکامل علمی است نه کمال عملی، خیلی در برزخ انسان کامل می شود خیلی از چیزها را می فهمد.

پرسش: درجاتشان بالا می رود؟

پاسخ: درجاتشان بالا نمی رود مگر به وسیله عملی که انجام دادند هر چه در دنیا می دید و شنیده بود به صورت علم حصولی درك کرد الآن می شود علم شهودی، خیلی درجات برزخی ها از نظر علم کامل می شود تکامل علمی هست اما ذکری بگوید ثواب ببرد، عملی انجام بدهد ثواب ببرد این نیست. همه اعمالی که در دنیا انجام داد تا اثر آن عمل هست در نامه عمل او ثواب می نویسند جامع همه اینها همان آیه سوره مبارکه «یس» است فرمود: ﴿وَكُتِبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَرَهُمْ﴾<sup>۳</sup> حالا آن روایت معروف، سدسازی و اختراع فلان موشك و اینها را نداشت الآن این طور است خدا غریق رحمت کند امام را که فرمود زمان و مکان در اجتهاد دخیل است، زمان و مکان هم در تفسیر دخیل است، در فقه دخیل است، در اصول دخیل است آن روز دیگر ساختن موشك و امثال موشك مطرح نبود حالا کسی موشك

۱. جامع الأخبار، ص ۱۰۵.

۲. جامع الأخبار، ص ۱۰۵.

۳. سوره یس، آیه ۱۲.

بسازد برای حفظ يك نظام الهی، تا این روش هست در نامه عمل او ثواب می‌نویسند «اذا مات ابن آدم انقطع عمله الاّ عن ثلاث» مگر آنچه او انجام داد.

### کسب علم باعث ترفیع درجه در دنیا

پرسش: این کسب علم ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾<sup>۱</sup> خود قرآن دارد...

پاسخ: این در دنیاست، اگر کسی در دنیا تحصیل علم بکند درجه بیشتری می‌برد کسی نکند کمتر ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾<sup>۲</sup> اما در قیامت، مؤمن و کافر هر دو عالم می‌شوند کافر هم می‌گوید: ﴿رَبَّنَا ابْصُرْنَا وَسَمِعْنَا﴾ چیزی پوشیده نیست آنچه معیار است این است که در دنیا کسی زحمت بکشد عالم بشود و کسی زحمت نکشد عالم نشود این ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾ اما در قیامت کافر می‌گوید: ﴿رَبَّنَا ابْصُرْنَا وَسَمِعْنَا﴾.

### بهره‌مندی از ثمرات و تبعات اعمال دنیایی در برزخ

غرض آن است که در برزخ تا اثر عمل هست جامعش همان آیه سوره مبارکه «یس» است که فرمود: ﴿وَكُتِبَ مَا قَدَّمُوا﴾ در زمان حیات خودشان ﴿وَأَثَرَهُمْ﴾ که بعد از مرگ اینها می‌آید. هر عمل خیری، هر سنت حسنه‌ای کسی که قرض الحسنه را رایج کرده، وام دادن را رایج کرده، تسهیل ازدواج را رایج کرده کسی سنتی گذاشته هیئت امنایی درست کرده که ازدواج جوانها را تسهیل کنند تا این فکر هست در نامه عمل او ثواب می‌نویسند برای اینکه اثر آن است اما کاری در برزخ بکند که این کار، کار جدید باشد با این کار ثواب ببرد این چنین نیست زیرا بعد از مرگ سخن از شریعت و نبوت و اطاعت و عصیان نیست و گرنه آنجا می‌شد دنیا، بالأخره اگر ثواب و عقاب هست تکلیف است، تکلیف هست دین است، دین اگر هست نبوت و رسالت هست. بنابراین تکامل علمی فراوان است، يك؛ تبعات

۱. سوره زمر، آیه ۹.

۲. سوره مجادله، آیه ۱۱.

اعمالی که انسان در دنیا داشت نصیبش می شود، دو؛ این آثار، اثر خیر را شامل می شود اثر بد را هم شامل می شود کسی که بدآموزی کرده تا این سنت سیئه هست در نامه عمل او سیئه می نویسند این ﴿وَكُتِبَ مَا قَدَّمُوا وَآثَرَهُمْ﴾ همین است اثر چه حسنه باشد چه سیئه باشد تا چهارشنبه سوری هست برای کسی که این سنت سیئه را گذاشته سیئه می نویسند هر کسی که سنتی گذاشته اگر حسنه باشد حسنه می نویسند، سیئه باشد سیئه می نویسند غرض این است که بین نفس و ایمان در دنیا اراده فاصله است، يك؛ در آخرت کلاً این تعطیل است، دو؛ مسئله علم چون بین نفس و علم، اراده فاصله نیست اختیار فاصله نیست چه در دنیا چه در برزخ چه در قیامت، انسان تکامل علمی دارد.

### لذت برزخی محصول رشد و کمال عملی ایمانی در دنیا

پرسش: رشد و کمال عملی آیا لذت است یا نیست، اگر لذت است ... .

پاسخ: رشد و کمال عملی لذت است اما هر لذتی محصول رشد و کمال عملی نیست رشد و کمال عملی لذت می آورد اما هر لذتی محصول رشد و کمال عملی آخرت نیست محصول رشد و کمال عملی ایمانی است که در دنیا داشتند.

### بررسی ادبی کلمه «خلائف»

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ﴾ ذات اقدس الهی شما را جانشین قرار داد هم جانشین خودش قرار داد هم اینکه یکی پس از دیگری می آید. «خلائف» گفتند جمع «خلیفه» است و «خلفاء» جمع «خَلِيفَ» است «خلیف» و «خلیفه» هر دو یکی است متنها «تاء» خلیفه «تاء» مبالغه است «تاء» تأنیث نیست اینکه درباره حضرت آدم فرمود:

﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾<sup>۱</sup> نه «خلیفاً» برای اینکه انسان کامل مقام والایی را داراست که کاملاً می‌تواند

دستورهای الهی را مدبرانه اجرا کند این خلیفه است برخی‌ها خلیف‌اند یعنی بدون «تاء» مبالغه نه «تاء» تأنیث.

### سرّ اعطای خلافت الهی به انسان

فرمود خدای سبحان شما را خلّائف در زمین قرار داد برای اینکه کلّ زمین را که مسخّر کرد، يك؛ قدرت تدبیر هم به شما داد، دو؛ آن مدیریتی را که بالذات برای ذات اقدس الهی است شما را مظهر آن قرار داد نه به شما تفویض کرده باشد، سه؛ شما این کار الهی را در زمین انجام بدهید و از شما هم به جدّ خواست که زمین را آباد کنید.

### تفاوت استعمار در قرآن با استعمار نظام سلطه

در سوره مبارکه «هود» گذشت ﴿هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾<sup>۲</sup> آن جا بحث شد که استعمار از مقدس‌ترین واژه‌های قرآنی است وقتی به دست ستمکاران افتاد جزء پلیدترین واژه‌ها شد. خدا فرمود من شما را استعمار کردم یعنی چه؟ یعنی زمان و زمین را مزین کردم به مسائل علمی، شما را هم مجهّز کردم به نیروی تدبیر، شما را آوردم در زمین از شما به جدّ خواستم زمین را آباد کنید این الف و سین و تاء منقوط همان مبالغه را می‌رساند مثل «استکبر» ﴿وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ من به جدّ خواستم زمین را آباد کنید هیچ احتیاجی به دیگری نداشته باشید هر جا هم نفس می‌کشید روزی همان جاست خب اگر این آیات قرآنی خوب در جامعه پیاده می‌شد تحریم و امثال تحریم فسون و فسانه بود آن وقت اگر کلّ اطراف ایران را دیوار بکشند ما در این جا کاملاً می‌توانیم خودمان را تأمین کنیم اگر قرآنی باشیم! چون همه چیز در این مملکت هست. فرمود من به جدّ از شما خواستم آباد کنید ﴿هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ من استعمار کردم، من مستعمرم شما مستعمر من هستید من به جدّ از شما خواستم زمین را آباد کنید یعنی چه؟ یعنی امکانات را آفریدم، يك؛ هوش و استعداد را به شما دادم، دو؛ برای اینکه گدای دیگران نباشید روی

۱. سوره بقره، آیه ۳۰.

۲. سوره هود، آیه ۶۱.

پای خودتان بایستید که به آن می‌گویند «اقتصاد مقاومتی» یعنی کسی که دارد مقاوم است کسی که ندارد چطور مقاومت می‌کند، سه؛ اما همین واژه مقدس قرآنی شده جزء پلیدترین واژه‌ها آنها که بیگانه‌اند می‌گویند زمان و زمین برای شما، نیرو برای شما، همه چیز برای شما، برای ما کار کنید معنای استعمار همین است این کودتای ننگین ۲۸ مرداد این طور بود استعمار منحوس یعنی تمام امکانات برای شما، برای ما کار کنید استعمار قرآنی این است که تمام امکانات برای خدا به شما داد آقای خودتان باشید.

### استفاده از مدیران کارآمد باعث پیشرفت جامعه

فرمود ما از شما می‌خواهیم که شما زمین را آباد کنید این همه آب‌ها هدر می‌رود خب بارها به عرضتان رسید علوفه دیگر انرژی هسته‌ای نیست این را ما از خارج وارد می‌کنیم لبنیات گران است، دام گران است، گوشت گران است ما هزارها هکتار همسایه دیوار به دیوار دریاییم این فقط عرضه و مدیریت می‌خواهد علوفه را ما از ترکیه وارد بکنیم یعنی چه؟ غرض این است که اینکه می‌گویند قرآن، تمدن می‌آورد و تمدن ما در تدین ماست همین است یعنی همه چیز را من به شما دادم شما خلیفه من هستید، نماینده من هستید، قائم مقام من هستید زمین را آباد کنید آقا باشید اینکه گفته شد قرآن مهجور است نه برای اینکه ما حفظ بکنیم و جایزه بگیریم جامعه قرآنی یعنی همین، خوب بخواند، بفهمد، عمل بکند فرمود شما مدیریت دارید من شما را مدیر کردم خب اگر کسی این قدرت را نداشته باشد که خدا نمی‌فرماید شما خلیفه من هستید خدا - معاذ الله - اشتباه می‌کند یا خدا - معاذ الله - خلاف می‌گوید؟! پس معلوم می‌شود مدیریت در جامعه هست حالا هر کسی يك گوشه کار، این همه برکاتی که شما در دفاع مقدس و امثال ذلك دیدید در نوآوری دیدید، در فناوری دیدید، روزانه می‌بینید، پس معلوم می‌شود هست. فرمود این نیروها را من به شما دادم چون این نیروها را من به شما دادم شما را جانشین خودم قرار دادم به نحو مظهر نه به نحو تفویض ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ﴾ از این به بعد اگر کسی کفر بورزد یا ایمان بیاورد دیگر مسئول، خودش است.

## چگونگی قرار گرفتن انسان در معرض تکامل

انسانی که به دنیا آمده در معرض تکامل است یا نموّ پیدا می‌کند مثل جوانهایی که در اثر ورزش و بدنسازی سالم نه ناسالم، فربه می‌شوند، نموّ می‌کنند. نموّ آن است که تمام اعضای بدن همسان رشد بکند بعضی‌ها نموّ ندارند چاق می‌شوند اضافه وزن دارند اینها خیال می‌کنند نموّ کردند بعضی‌ها نه نموّ می‌کنند نه چاق می‌شوند زنبور دست اینها را زده ورم کرده مسئله چاقی يك حرف است، مسئله نموّ حرف دیگر است، مسئله ورم چیز دیگر است. ما در فارسی می‌گوییم آماس، آنها می‌گویند تورّم، تورّم يك واژه عربی است یعنی ورم کردن این «استسمنت ذا ورم»<sup>۳</sup> از مثل‌های معروف عرب است یعنی این شخص، زنبور دستش را زده ورم کرده خیال کرده چاق شده تازه چاقی، میانه بین ورم و فربهی است آن‌که کمال است نموّ است و فربهی نه چاقی. فرمود ما شما را آفریدیم شما گاهی زنبور دستتان را می‌زند خیال می‌کنید رشد کردید گاهی اضافه وزن پیدا می‌کنید خیال می‌کنید نموّ کردید ما شما را برای نموّ آفریدیم ﴿فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ﴾ اما ﴿وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا﴾ فرمود بعضی‌ها زنبور دستشان را زده ورم کرده خیال کردند چاق شدند این کفر، اینها را بالا آورده ولی همان‌طور که زنبور زده دستش بالا می‌آید ﴿وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا﴾ چون مرتب این دارد سرمایه می‌دهد دارد سم می‌گیرد خب این خسارت است. این بیان نورانی حضرت امیر (سلام الله علیه) که فرمود: «نفس المرء خطاه الى أجله»<sup>۴</sup> همین است هر نفسی که ما می‌زنیم يك قدم به قبر نزديك تر می‌شویم اگر بین ما و قبر صد هزار نفس فاصله باشد يك نفس که برآوردیم يك قدم به قبر نزديك تر شدیم «نفس المرء خطاه» خُطوه یعنی قدم، «نفس المرء خطاه الى القبر».

## تبیین خلافت الهی انسان در نظام تکوین

پرسش: با توجه به ذیل آیه که بحث مقت و عذاب است شاید مقصود از خلائف جانشینی امم باشد...

۳. معجم الأدباء، ج ۵، ص ۲۱۹۶.

۴. نهج البلاغه، حکمت ۷۴.

پاسخ: نه، در نظام تکوین اینها خلیفه قرار دادند منتها خلافت را سوء استفاده کردند این ندا، ندای عمومی جهان است ندای عمومی جهان هیچ کسی خلیفه دیگری نبود کلّ جوامع بشری خلافت الهی اند اگر نسبت به قومی باشد بله این قوم خلیفه قوم دیگر است چه اینکه بعد از جریان طوفان نوح گفتند: ﴿جَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ﴾<sup>۵</sup> آنجا محفوف به قرینه است اما در آنجا که خطاب جهانی است و جهان شمول قرآن است جامعه بشری خلافت است آنجا که محفوف به قرینه است معلوم می شود که این نسل، خلیفه نسل قبلی است.

گستره شمول ﴿اصْطَفَيْنَا﴾ در آیه ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ...﴾

پرسش: ذیل نمی تواند قرینه باشد که بحث عذاب و مقت و اینها ...

پاسخ: ایمان و کفر هم همین است چون مؤمنین هم هستند فرمود ما شما را خلیفه الله قرار دادیم ولی شما سوء استفاده کردید مثل اینکه در آیه ۳۲ فرمود: ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ﴾ مرحوم شیخ طوسی و امثال ایشان به زحمت افتادند که این ﴿اصْطَفَيْنَا﴾ اگر انبیا و امثال انبیا باشد ما چطور حل کنیم نه خیر، ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا﴾<sup>۶</sup> بعضی پذیرفتند بعضی نپذیرفتند خدا مانت گذاشت یعنی نعمت عظمی داد وجود مبارک پیغمبر را داد، قرآن را داد بعضی ها پذیرفتند بعضی ها نپذیرفتند؛ لذا جمیع افراد را این آیه در بر می گیرد.

براهین دالّ بر توحید و بطلان پرستش بتها

در این جا چند برهان اقامه می کند بر توحید، ضمن اینکه برهان اقامه می کند بر توحید که یکی ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ﴾ است یکی هم آیه ۴۱ است که ﴿إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا﴾ در این وسط می فرماید شما که مشرکید، مشرکید آن طور نیست که مرحوم شیخ طوسی در تبیان نقل می کند که ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءُ الَّذِينَ

۵. سوره یونس، آیه ۷۳.

۶. سوره آل عمران، آیه ۱۶۴.

تَدْعُونَ ﴿۱﴾ اینکه فرمود شرکا برای اینکه اینها يك مقدار مال را برای بت‌ها قرار می‌دهند آنها را شرکای در اموال قرار می‌دهند<sup>۷</sup> ظاهراً آن نیست یعنی این بت‌هایی که شما شرکاء الله قرار دادید شما یا دلیل عقلی بیاورید یا دلیل نقلی، مشابه این هم قبلاً گذشت که خدا می‌فرماید حرفی که شما می‌زنید یا برهان عقلی بیاورید یا برهان نقلی بیاورید که جمع را شاید. این جا هم همین است فرمود: ﴿أَرَأَيْتُمْ﴾ یعن «أخبرونی» ﴿شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ یا دلیل عقلی بیاورید بگویید اینها چون فلان چیز را خلق کردند از این جهت معبودند، يك؛ یا شريك خدا بودند با خدا دوتایی با هم خلق کردند از این جهت معبودند، دو؛ این حرف را یعنی یا خلقت بالاستقلال یا خلقت بالشركه را شما ثابت کنید یا با دلیل عقلی یا با دلیل نقلی، در حالی که نه دلیل عقلی دارید نه دلیل نقلی ﴿أَرُونِي﴾ نشان بدهید «أخبرونی» ﴿مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ﴾ بالاستقلال، يك؛ ﴿أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ﴾، دو؛ این ﴿أَمْ﴾ عطف بر آن ﴿أَمْ﴾ نیست یا ﴿أَرُونِي﴾ با برهان عقلی یا دلیل نقلی بیاورید نه اینکه این ﴿أَمْ﴾ عطف بر آن ﴿أَمْ﴾ باشد یا دلیل عقلی بیاورید ﴿أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ﴾ یا اگر دلیلی نیاوردید که اینها خالق‌اند دلیلی نیاوردید که اینها شريك خالق‌اند هیچ کدام از این دو حدّ وسط را نیاوردید، هر حدّ وسطی مسئول تشکیل يك برهان است دو حدّ وسط است اگر هیچ کدام از اینها را با عقل نتوانستید ثابت کنید لا اقل ﴿أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا﴾ يك دلیل نقلی بیاورید آخر انسان حرفی می‌زند نه دلیل عقلی داشته باشد نه دلیل نقلی ﴿فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّنْهُ بَلْ إِنِ يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا﴾ در سوره مبارکه «احقاف» مشابه این آمده در سوره مبارکه «احقاف» فرمود: ﴿مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُّعْرِضُونَ \* قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ شما که شريك قائل هستید برای خدا ﴿أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ﴾ این دو برهان است اگر این معبودهای شما چیزی را خلق کردند خب لیاقت دارند، يك؛ اگر چیزی را خلق نکردند شريك خدا بودند در

آفرینش لیاقت دارند، دو؛ هیچ کدام از اینها که نیست اگر دلیل عقلی ندارید که آنها شایسته ربوبیت‌اند ﴿اَتُثَوْنِي بِكِتَابٍ مِّن قَبْلِ هَذَا﴾ يك دليل نقلی بیاورید بگویید در فلان کتاب الهی آمده که این بت‌ها این کار را کردند ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِّن دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ اَتُثَوْنِي بِكِتَابٍ مِّن قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِّنْ عِلْمٍ﴾<sup>۱</sup> یا دلیل عقلی یا دلیل نقلی دستتان که خالی است هیچ کاری هم نکردند خب چرا اینها را می‌پرستید؟! این برهانی که در موارد عدیده آمده که شما نه دلیل عقلی دارید نه دلیل نقلی دارید بر اینکه اینها استحقاق دارند پس معلوم می‌شود پرستش اینها باطل خواهد بود ﴿فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّنْهُ﴾ هیچ کدام از آنها نیست ﴿بَلْ إِن يَبْدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا﴾ آنها که شما را به بت‌پرستی دعوت می‌کنند فریبکارند و کارشان فریب دادن است.

«و الحمد لله رب العالمين»